

!:.: تعبیر خواب به روایت سلمان فارسی رضی الله عنه !:.

خوابی که در روز ششم ببیند ، بعد از یکروز یا دو روز تعبیرش ظاهر شود  
در روز نهم خوابی که دیده شود ، در همان روز اثرش ظاهر شود  
در روز دهم و یازدهم ، تعبیرش بعد از بیست روز به ظهور آید  
در روز سیزدهم خواب که دیده شود ، بعد از نه روز تعبیرش ظاهر شود  
در روز چهاردهم ، بعد از بیست و شش روز بعمل آید  
در روز پانزدهم، بعد از سه روز اثرش ظاهر شود  
در روز بیست و هشتم ، در همان روز اثرش ظاهر شود  
و در بیست و نهم نیز، در همان روز ، اثر و تعبیرش ظاهر و هویدا شود.

### اهمیت تعبیر رویا

تعبیر و تفسیر رویا از مشکلترین مسائل مورد نیاز مردم است بالاخره ناگزیر و گاه و بیگاه انسان خواب های مبهمی می بیند که چاره ای جز تعبیر واقعی ندارد. اما این تعبیر و تفسیر را چه کسی می تواند بکند و آیا به هر کس می توان اعتماد کرد؟ و حرف هر کس در این مورد قابل اعتماد است ؟

این مسئله ایست که باید بررسی دقیق شود . و معبرین واقعی شناخته شوند تا به ایشان مراجعه کنند . ضمنا باید بررسی گردد که آیا قاعده ای برای کیفیت تعبیر هست که بتواند به آن قاعده و قانون اعتماد کرد.

اینک ملاحظه کنید در یک خواب چه اختلاف تعبیری بوجود می آید حالا باید دید کدام تعبیر صحیح است . وقتی فرعون زمان حضرت یوسف به نام "ولیدبن ریان" که پادشاه اصلی مصر، او بود و عزیز مصر وزیرش محسوب می شد. آن خواب را برای اعیان مملکت خود نقل کرد. که دید هفت گاو فربه از یک نهر و رود خارج شدند و هفت گاو لاغر، که از نهری خشک خارج شدند هفت گاو چاق را خوردند و هفت خوشه گندم دانه بسته و عالی دید اما هفت خوشه دیگر، خشک که بر آنها پیچیده بود.

اطرافیان فرعون گفتند : اینها خواب پوچ و آشفته است ما تعبیر چنین خواب هایی را نمی دانیم. اما دیدیم به معبر واقعی که مؤید به تایید خداوند و مطلع از واقعیات با افاضه ی خداوند بود، که رسیدند برای آنها چه تعبیر مهمی کرد و با همین تعبیر جان مردم آن مرز و بوم را از خطر مرگ قحط و غلا ، نجات بخشید یوسف علیه السلام گفت: هفت سال مثل سالهای قبل زراعت خواهید کرد . محصول بر می دارید. ولی هفت سال متوالی دچار کمبود آب و محصول کم خواهید بود. باید از این سالها رخص و فراوانی برای سالهای قحط و غلا نگه دارید و مقداری نیز برای بذر و کاشتن نگهداری کنید تا بتوانید نجات یابید.

چنانچه ملاحظه می کنید؛ حضرت یوسف (ع) برنامه ی اقتصادی یک مملکت تا چهارده سال بحرانی را توضیح می دهد. که فرعون تحت تاثیر تعبیر صحیحی و در عین حال مسلم او قرار می گیرد و تقاضا می کند یوسف زندانی را آزاد نموده بیاورند. با همین تعبیر به مقامی عالی می رسد و فرمانروای مصر میگردد.

در کافی نقل می شود: محمدبن مسلم گفت: خدمت حضرت صادق (ع) رسیدم. ابوحنیفه نیز حضور داشت. گفتم آقا یک خواب عجیب دیده ام فرمود کسی که عالم خواب و تعبیر است اینجا نشسته، و رو به ابوحنیفه کرد. خواب خود را برای او نقل کن! گفت در خواب دیدم وارد خانه ام شدم. زخم از خانه خارج شد گردوی زیادی را شکست و بر سر و صورتم پاشید. ابوحنیفه گفت: تو چند روزی با خویشاوندان زنت در ارث اختلاف خواهی داشت. اما بعد از یک گرفتاری زیاد به حاجت خود میرسی امام علیه السلام فرمود: والله درست (به خطا) رسیدی. ابوحنیفه از جا حرکت کرد و رفت.

ابو بصیر گفت: آقا از تعبیر او خوشم نیامد فرمود: ناراحت نشو تعبیر او با تعبیر ما فرق دارد.

پس علم تعبیر به طوری که از آیات و روایات استفاده میشود، علم بسیار شریف و با اهمیت است که خداوند یکی از دلایل نبوت حضرت یوسف علیه السلام را، اطلاع از علم تعبیر قرار داده.

" و كَذَلِكَ يَجْتَنِبُ رِبْكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْاِحَادِيثِ "

خداوند، تو را انتخاب نمود و به تعبیر خواب و تاویل این وقایع آشنا نمود.

این علم صد در صد عنایتی است از خداوند که به انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام و گاهی به بعضی از فضلا از علما و دانشمندان که آن هم بر اثر مخالفت با هوای نفس و شدت پایداری در راه خداوند داده شده دیگر نمی توان به تاویل و تعبیر این و آن اعتماد کرد باید دنبال معبری گشت که یا معصوم باشد و یا ارتباط خاص با معصومین داشته باشد تا به تاویل او اعتماد نماید.

امام صادق (ع) به طربال فرمود: وقتی پادشاه دستور داد یوسف را زندانی کنند. خداوند تعبیر خواب را در آنجا به یوسف الهام نمود که در زندان خواب زندانیان و اطرافیان آنها را تعبیر می نمود.

در حدیث دیگر جابر جعفی از امام باقر (ع) نقل میکند: من از تعبیر رؤیا که از دانیال نبی نقل می شود پرسیدم، که آیا صحیح است یا نه؟ فرمود بلی صحیح است به او وحی می شد.

او پیامبر بود از چیزهایی که خداوند به او آموخته بود تعبیر رؤیا بود. پیامبری صدیق و حکیم بود به خدا و به محبت ما خانواده اعتقاد داشت. پرسیدم به محبت شما خانواده؟!

قَالَ اَيُّ وَاللّٰهِ وَ مَا مِنْ نَبِيٍّ و لَا مَلِكٍ اِلَّا و كَانَ يَوْمُنُ بِمَجِبَتِنَا "

فرمود آری به خدا قسم هیچ پیامبر و فرشته ایی نیست مگر اینکه دین او به ما خانواده است.

مرحوم نوری، در دارلسلام می نویسد: علم تعبیر از علوم انبیا است خصوصاً در مورد یوسف صدیق و دانیال پیامبر، که یا تصریح دارند و یا با اشاره از قواعد آنها استفاده می شود. و یا از علمی که به ائمه منتهی می شود یا کسی که با تهذیب نفس و مخالفت با هوای نفس به چنین مقامی رسیده است.

با این توضیح معلوم میشود که رجوع به کتابهای تعبیر فایده ای ندارد مخصوصاً کتابهایی که داخل این اقسام نباشد با اینکه گاهی بعضی از مطالب آنها ممکن است با واقعیت تطبیق نماید ولی قابل اعتماد نیست.

این ادعا را ثابت می کند فرمایش امام صادق (ع) که به محمدبن مسلم. در مورد تعبیر خوابش به وسیله ابو حنیفه فرمود: تعبیر آنها با تعبیر ما مطابقت ندارد و از ما نیز مطابق آنها نخواهد بود. در نتیجه اعتماد به تعبیر ابن سیرین و دیگران که در این راستا نیستند صلاح نیست. در روایات امام صادق (ع) می فرماید: رؤیا مطابق می شود با تعبیری که اشخاص می کنند. مثل کسی که پایش را از زمین بلند کرده نمی داند کجا باید بگذرد، به او اجازه می دهند فلان جا بگذارد.

شرایط معبر

آن شرایط عبارتند از:

۱- خیر خواه باشد ۲- علیم و دانا باشد ۳- دشمن و کینه توز و منافق نباشد.

زیرا آنها چنان تعبیر می کنند که موافق خواسته خود آنها است معبر باید قدرت تشخیص زیادی داشته باشد. موقعیت خواب بیننده را

بشناسد که در تعبیر خواب مؤثر است. شخصی خدمت حضرت صادق (ع) رسید و گفت خواب دیدم که خورشید از سر و بدنم طلوع کرده امام علیه السلام خوابش را تعبیر کرد. اما او گفت می گویند خورشید اقتدار ملک و مملکت است. فرمود: تو از آنها که خلیفه می شوند نیستی و نه سابقه خلافت در آباء و اجداد وجود داشت. کدام خلافت و فرمانروایی بهتر از این است که نور ایمان داشته باشی که به امید آن وارد بهشت شوی. آنها در علم تعبیر اشتباه می کنند عرض کردم صحیح می فرمایید.

تشخیص موقعیت یکی از شرایط مهم تعبیر است ملاحظه می کنید امام علیه السلام خواب دو نفر را که یک نوع خواب دیده بودند چگونه

تعبیر و تفسیر می فرماید هر دو خواب دیده بودند مشغول رفتن به کربلا هستند. یکی اذان می گوید و آن دیگری نیز اذان گفت.

به اولی فرمود تو به مکه خواهی رفت. با استفاده از آیه " وَ اَذِّنْ فِي النَّاسِ لِلْحَجِّ يَا تَوَكُّرًا جَلالاً " به دومی فرمود دزدی خواهی کرد با استفاده از

" و اذن مؤذن یا ايتها العير انكم لسارقون " تشخیص این موارد و فرق بین آن دو گذاشتن، فقط در اختیار معصوم است اینها نکات و وقایعی

است که افراد عادی سر از آن در نمی آورند مسئله دیگر که اهمیت به علم تعبیر می دهد و اطلاعات ما را در علم. تعبیر بسیار کم و کوتاه

نشان میدهد تشخیص موقعیت خواب بیننده است و تطبیق تعبیر با مورد خاص است امام صادق (ع) فرمود: کسی که در خواب ببیند داخل

حرم کعبه شده ولی می ترسد، او ایمن خواهد بود که خداوند در قرآن کریم می فرماید " حَرَمًا آمِنًا " .

معلوم می شود یکی از طرق تعبیر تطبیق با آیات قرآن است و در مورد کسی که خود را در شام ببیند فرمود برکات و نعمتهایی به او میرسد که در قرآن کریم می فرماید: " وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَرَى التى بَارَكْنَا فِيهَا " منظور شام است. و از این داستان تطبیق با آیات را بسیار مؤثر می نماید.

گویند مهدی پسر منصور دوانقی در خواب دید رویش سیاه شده به معبران مراجعه کرد گفتند. ما از تعبیر این خواب عاجزیم. خوب است ( ابراهیم بن عبدالله) کرمانی را احضار کنید و از او تعبیر بجویی مهدی همین کار را کرد. ابراهیم گفت خداوند به تو دختری خواهد داد. از او پرسیدند به چه دلیل می گویی؟ گفت به دلیل این آیه "وَ اِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِالانثى ظلّ وجهه مسوداً و هو كظلم" (سوره نحل، آیه ۵۸) در همان روز برای او دختری متولد شد مهدی ده هزار درهم به او بخشید و هزار درهم دیگر هم موقع تولد بخشید.

یکی از آقایان علماء می فرماید: شخصی به من مراجعه کرد و خوابی را نقل نمود که تعبیر آن خواب به دزدی اشاره داشت " مثل اذان گفتن " اما من او را مرد دزدی تشخیص ندادم و خیال می کردم آدم خوبی است. بالاخره گفتم ممکن است بدت بیاید این خواب تو دلیلی است بر اینکه سرقت کرده ای.

گفت آقا همینطور است . مادر زن و پدر زنم رفتند مسافرت. من خانه آنها را نگه می داشتم یک روز رختخواب را باز کردم دیدم داخل رختخواب مقداری طلا آلات است. برداشتم اما بعد از برگشتن از مسافرت احتمال نمی دادند . که من باشم دیگری را متهم کردند. که الان او در محاکمه است گفتم: به هر صورت باید یک کاری بکنی لااقل دیگری را از این گرفتاری خارج کنی.

البته اتفاقات خیلی زیاد است که به تدوین و نگارش نیاز نیست ولی ما به این مقدار فعلا بسنده می کنیم.

از دارالسلام، ج ۴، ص ۳۷۲

قرآن مشتمل بر جمیع علوم و معانی میباشد!

اگر چه ظاهر قرآن مجید از حیث جزالت الفاظ [ فصاحت و روانی سخن ] و حسن معانی و اسلوب عجیب و ترکیب در منتها درجه ی فصاحت و بلاغت و معجزه ی خاتم النبیین (ص) می باشد. ولی ارباب فضل و دانش و تحقیق وقتی به باطن قرآن مجید توجه می نمایند، اعجاز را در معانی قرآن بالاتر و برتر و بیشتر از ظاهر الفاظ و اسلوب عجیب و بدیع آن می بینند.

هم چنانیکه علماء فیزیولوژی، یعنی منافع الاعضاء، که جمیع اعضاء و جوارح آدمی را تشریح، و در آن غور نموده اند. به تحقیق می گویند وجاهت و زیبایی باطن انسان به مراتب بالاتر از وجاهت ظاهر صورت او می باشد.

اعضاء و جوارح باطنیه انسان از حیث نظم و ربط، دلالتش بر اثبات ذات واجب الوجود و عظمت قدرت و اراده و حکمت او جلّ و علا بالاتر از اعضا ظاهریه ی او می باشد.

همین قسم است حسن معانی قرآن مجید که از حیث اعجاز برای مردمان دقیق دانشمند به مراتب بالاتر از حسن ظاهر آن می باشد.

چه آنکه قرآن مجید بحکم آیه ۳۷ سوره ۶ (انعام) که می فرماید: ما فرطنا فی الكتاب من شیء (ما در کتاب [بزرگ ، قرآن] بیان هیچ چیز را فروگذار نکردیم [که محتاج الیه بشر است مفصلاً یا مجملاً]).

و آیه ی ۵۹ از همین سوره که فرموده: و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین (هیچ تر و خشکی نیست جز آنکه در کتاب روشن و آشکار [قرآن مجید] ثبت و مسطور است).

مشمول بر جمیع علوم اولین و آخرین است، از اصول عقاید، و معارف حقّه الهیه، علم به مبدأ و معاد ، و علم تعبیر خواب ، و مواعظ و حکم و امثال ، و طریقه ی خطبه و خطابه ، و مجادله و مناظره، و علم هیئت و نجوم، و معرفت السماء و آنچه در آنهاست ، و علم معانی و بیان، علم طب، هندسه، جبر و مقابله، و اشاره به حرف و صنایع از قبیل حدادی، خیاطی، بنائی، غزالی، نساجی، غواصی ، صیادی ،صبغی، تجارت و کتابت، و سبق و رمایه، سیاست مُدن و علم حقوق بنحو اتم و اکمل، طرز حکمرانی و مملکت داری از لشکری و کشوری و طریقه ی صلح و صفا، جنگ و جهاد، و احکام لازمه در عالم مدنیّت که سیصد و سیزده حکم است ، برای حفظ معاش و معاد، در امور مربوطه ی به دنیا و دین، که فقط ما توانستیم به فهرست مختصری از آنها اشاره نمائیم ، چه آنکه وقت مقاله نویسی اجازه نمیدهد آیات هر یک را مشروحاً بیان نماییم، و اگر چنین قصدی را بنماییم بایستی آماده نوشتن کتاب بزرگی باشیم، تازه از عهده بر نخواهیم آمد.

چنانچه بزرگان از علماء دست بکار این امر بزرگ شدند و موفقیت کامل پیدا ننمودند.

از جمله آنها ابو علی اسواری بود که مدت سی و شش سال فقط سوره بقره را از حیث تاریخ و تاویلات مختلفه و علوم عالیّه تفسیر می نمود ، و با کمال جدیت سعی بلیغ داشت که این امر بزرگ را بآخر برساند، با عشق تمامی که با تمام این امر بزرگ داشت، عمرش بآخر رسید، تمام نکرده از دنیا رفت.

احصاء و شماره تمام تفاسیر مفصلی که بر قرآن مجید نوشته شده غیر ممکن است، چنانچه صاحب کشف الظنون، با آنکه زیاده از سیصد تفسیر بر قرآن را نام برده ، مع ذلک اظهار عجز نموده ، گوید باحصاء و شماره تمام تفاسیر قادر نگردیدم.

و بعضی از تفاسیر به مجلدات ضخیمی بالغ گردیده، مانند تفسیر (الاستغنا) تالیف ابوبکر ادفوی متوفای ۳۸۷ هجری قمری که صد جلد تمام بوده.

و اگر خوانندگان محترم مایل به مشروحات بیشتری هستند ، مراجعه نمایند به کتب و تفاسیر مفصله ای که در دسترس آنها میباشد، از قبیل تبیان شیخ طوسی، و مجمع البیان شیخ طبرسی، و تفسیر ابوالفتح رازی، و مفاتیح الغیب امام فخررازی و لوامع التنزیل میرسید علی لاهوری قمی در سی جلد ، و تفسیر الجواهر طنطاوی در و کشاف جار الله زمخشری و ... .

که هر یک از آیات قرآن مجید را در محل خود تفصیلاً شرح داده اند، تا پی ببرند بعظمت معنوی این کتاب محکم آسمانی که هر حرفی از حروف آن در محل خود معجزه ایست که از عهده بشر خارج و هر دستوری از دستورات آن برای خیر دنیا و آخرت و سعادت و سیادت جامعه بشر ما فوق همه دستورات و اصلح بحال فرد و اجتماع میباشد.

و هر آیه ای از آیات و جمله ای از جملات قرآن مجید ، محتوی و مشتمل بعلم و دستوراتی است که جامعه بشر محتاج بآنها میباشد ، در امور معاش و معاد و تهذیب اخلاق و تنویر روح و تزکیه جسم و بدن ولی آنچه اکابر علماء نوشته اند از هزار کلمه را نتوانستند احصاء نمایند ، فقط بمقدار قدرت خود توانستند اظهار حیاتی بنمایند.

ولی بسیار افسوس میخورم که وقت حقیر ناچیز و اقتضای مقاله نویسی مجال شرح و بسط و تفصیل را نمیدهد.

من باب نمونه همین مقدار که ذکر شد گمان میکنم کافی باشد.

چه آنکه فهرست هر کتاب مختصری از مفصل را بدست اهل کار میدهد برای نزدیکی راه خوانندگان محترم ، آخرین مقالات خود را اختصاص میدهم بفهرستبعضی از آیات قرآن مجید تا معلوم گردد که در هر قضیه ای از قضایا ، و حکمی از احکام از قصص حالات بزرگان و معارف حقه الهیه، و علم به مبدا و معاد و مایحتاج در نظام اجتماع ، و اخلاق و غیره در این کتاب مقدس آسمانی چند آیه نازل گردیده و بدانند که این کتاب بزرگ الهی چه بحر موجی است، که هر غواصی بمقدار قدرت غوص خود میتواند از گوهرها و لثالی آن بهره برداری کند، ولی عاقبت هم احدی نتوانسته است بعمق حقیقی این بحر موج است.

مگر آن کسانیکه قرآن مجید بر آنها ، و در خاندان جلیل آنها نازل گردیده است

و خداوند متعال علم بهره برداری از این کتاب و قدس را کاملا بآنها عطا فرموده است.

و آنها راسخون در علم یعنی خاندان جلیل القدر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین بوده اند.

چنانچه در آیه ۱۱ سوره ۳۶ (یس) و کل شیء احصیناه فی امام مبین(۱)

و دلائل بسیاری از آیات قرآن مجید و اخبار وارده از طرق فرق مسلمین از شیعه ، و سنی، و زیدی و غیره بر این معنی وارد است، که حاملین قرآن و محیط بر جمیع علوم قرآن ، فقط خاندان جلیل القدر عصمت و طهارت میباشدند.

مقاله نود و چهارم از کتاب صد مقاله سلطانی

سلطان الواعظین شیرازی

خواب راست یا دروغ یا آشفته؟

سلام:

کمتر کسی را می شناسیم که در زندگی خوابها یی ندیده باشد که به پاره ای امور مخفی و یا مشکلات علمی و یا حوادث آینده از خیر و شر

دلالتش نکرده باشدو چنین امری را نمی توان حمل بر اتفاق کرد و گفت که هیچ ارتباطی میان آنها و تعبیرشان نیست.مخصوصا خوابهای

واضح یا صریح که به تعبیر نیازی ندارد، به طور کلی هیچیک از رویا ها خالی از حقیقت نمی باشد و ریشه و اسبابی دارند که باعث پیدایش

آنها در نفس و ظهور آنها در خیال می شود.بنا بر این می توان اذعان نمود برای هر رؤیایی تعبیری هست ولی تعبیر بعضی از آنها عوامل

طبیعی و بدنی در حال خواب است و تاویل بعضی دیگر عوامل اخلاقی است و بعضی دیگر با سببهای متفرقه و اتفاقی در ارتباطند.

خوابهایی که حقیقت دارند و صریح هستند از دیدگاه علامه طباطبایی با الهام از قرآن به دو دسته تقسیم می شوند:

قسم اول: رؤیاهایی که خواب بیننده در آنها هیچ گونه تصرف و تمثیلی نکرده و قهرا و بدون هیچ زحمتی با تاویل خود انطباق دارند،

قسم دوم: خوابهای غیر صریح هستند که صاحب رؤیا از جهت حکایت در آن تصرف کرده، یا به تمثیل و یا به انتقال از معنای رؤیا به چیزی که مناسب آن یا ضدش است،

این قسم دوم نیاز به تعبیر دارد. حالت دوم خود به دو نوع تقسیم می شود یک نوع خوابی که صاحب رؤیا فقط یک بار در آن دخالت می کند و نوع دیگر که نفس صاحب رؤیا به یک انتقال و دو انتقال اکتفا نموده و بدون آنکه به حدی توقف کند، انتقال بعد از انتقال و تصرف بعد از تصرف کرده به طوری که برگرداندن رؤیای نامبرده به اصلش مشکل است. این گونه رؤیاها را "اضغاث احلام" می گویند. که یا فاقد تعبیر است و یا تعبیر کردن آنها مشکل یا غیر ممکن است.

خداوند در کلام خود به هر سه قسم رویا اشاره کرده است: از قسم اول، رویای حضرت ابراهیم علیه السلام و رویای مادر حضرت موسی علیه السلام و پاره‌های از رویاهای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، و قسم دوم را هم در عبارت "اضغاث احلام" در سوره یوسف اشاره نموده و از قسم سوم رؤیای حضرت یوسف علیه السلام و رویاهای دو زندانی و رؤیای پادشا مصر.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است:

خواب دیدن سه نوع است: یا بشارتی از ناحیه خداوند است و یا وسیله ای برای غمناک و حزین کردن مردم از طرف شیطان و در مواردی مسائلی است که انسان در فکر خود پرورانده و آن را در خواب می بیند. "الرؤیا ثلث: فبشری من الله و حدیث النفس و تخویف من الشیطان" در روایتی حضرت محمد فرموده اند:

"خواب دیدن سه گونه است: دسته ای تهدیداتی از طرف شیطان برای اندوهگین ساختن فرزندان آدم، برخی رؤیا هایی هستند که از اهتمام فرد خواب بین در حالت بیداری حکایت دارد و نوع سوم به عنوان بخشی از قسمتهای چهل و ششگانه پیابری تلقی می گردد.

بر حسب عوامل گوناگون و تاثیر پذیری رؤیاها از برخی حالات و شرایط، خوابها متعددند: رؤیاهای راستین که به تفضیل به آنها اشاره خواهیم کرد. خوابها یی که در آنها راست و دروغ با یکدیگر آمیخته اند. حضرت امام صادق علیه السلام به مفضل از اصحاب خود فرمودند: "در مورد خواب دیدن اندیشه کن، که چگونه خداوند در مورد آنها تدبیر بکار گرفته است، زیرا راست و دروغ آن را با هم آمیخته است، اگر همه رؤیاها راست بود تمام مردم پیامبر بودند و اگر تمام خوابها کاذب بودند، نه تنها فایده ای نداشت بلکه امری زائد و بی معنا بود. ابو بصیر گوید، به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، خواب راست و دروغ از کجا بر می آید؟ فرمود:

"خوابهای دروغ و پریشان آن است که مرد در آغاز شب می بیند، در آن وقت تحت تسلط شهوات است و آن خوابها چیزی نیست جز آنچه در خیال انسان مجسم شود و آنها دروغ و بر خلاف در آید و اما خواب راست، آن است که انسان پس از گذشتن دو ثلث از شب هنگام آمدن فرشته ها ببیند و آن سحر است و این خواب راستین است که ان شاء الله تخلف ندارد.

رؤیاهای کاذبه خوابهایی است که طی آن صور خیالی و جزئی با معانی کلی پیوند و رابطه ای ندارد و لذا تعبیر آن بی جا و بی مورد می باشد و هرگز آدمی را به آگاهی جدیدی نمی رساند و در آینده دور یا نزدیک نیز واقع نمی شود. گاهی رؤیاهای راستین با احساسات، تمایلات و حوادث گذشته و یا رویداد های همزمان ممزوج می شود و در نتیجه حقیقت چنین خوابهایی را دچار تردید می نماید، زیاده روی در خوردن برخی غذاها قبل از خوابیدن، حرن و اضطراب شخص یا ناراحتی های روانی و دردهای جسمانی، ارتکاب گناه و سر پیچی از قوانین اخلاقی ممکن است خوابهای واقعی را مخدوش کند. خواب افراد مست و جنب و خانمها در هنگام حیض و امثال آن ممکن است آمیخته به کذب باشد.

مژده ملکوتی

در سوره یونس آیه ۶۵ مخوانیم: " لهیم البشری فی الحیوه الدنیا ... "

یعنی بشارت است ایشان را در دنیا:

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده اند: مردی از رسول خدا صلی الله علیه وآله معنای این گفتار خداوند عز و جل را پرسید، آن حضرت فرمودند: آن مژده، خوابی است که مؤمن می بیند و در امور دنیایش از آن شادمان می شود.

عبدالله بن عباس از پیامبر اکرم نقل کرده که آن حضرت فرمود: خواب راست الهامی است از خدای متعال بر بنده مؤمن که او را از خیر و شری که به او خواهد رسید، قبل از اتفاق خبر می کند تا به دنیا مغرور نشود و از فرمان الهی غافل نماند و ابوذر غفاری گفته است: روزی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به حالتی محزون به حضور آن سید رسولان الهی رسیدند و عرض کردند: ای رسول خدا بر وجود مبارک تو از آسمان وحی می شود و ما را از این طریق از امور آگاه می سازید اما اگر خدای نا کرده شما از میان ما بروید این آگاهی را چگونه بدست آوریم،

حضرت فرمودند: " بعد وفاتی ینقطع الوحی و لا ینقطع المبشرات " یعنی بعد از رحلت من وحی منقطع می شود ولی مبشرات ادامه می یابد، عرض کردند مبشرات دیگر کدام است؟ فرمودند: " الرؤیا الصالحه یراها المرء الصالح او یراها له "

یعنی: خواب صحیح و درستی که مرد صالح می بیند یا رؤیایی که دیگری برای او می بیند.

خوابهای مبشرات را که پیام مژده آوری برای انسان دارد رؤیای صالحه یا خواب راست نام نهادند.

در واقع به هنگام خواب پروردگار همه ارواح را نزد خود می برد، آنچه را که روح انسان در آسمان نزد خدا می بیند " رؤیای صادقانه " و آنچه را که در هنگام باز گشت به بدن می بیند " رؤیای کاذبه " نام نهاده اند.

از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند: که چه سبب دارد گاهی مؤمن خوابی می بیند و اثر آن ظاهر نمی شود، ایشان فرمودند چون مؤمن به خواب رود، روحش به آسمان انتقال داده می شود، پس آنچه در ملکوت آسمان مشاهده کند در محل تقدیر و تدبیر آن، حق است و اثرش آشکار می شود، آنچه در زمین و هوا ببیند آشفته است و واقعیت ندارد، راوی پرسید آیا روحش به طور کامل از بدن جدا شده و به آسمان می

رود؟ حضرت فرمود: اگر چنین باشد که فوت نموده بلکه همچون خورشید است که در آسمان می باشد و روشنی و پرتوش در زمین

است. اصل روح در بدن مؤمن می باشد و پرتوی از آن به سوی ملکوت حرکت می کند.

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز چنین روایتی نقل شده است.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: یکی از سنتهای رسول خدا صلی الله علی و آله چنین بود که وقتی صبح می شد به اصحابش می فرمود: آیا نوید بخشی هست؟ و مقصودشان خواب صادق بود.

علامه مجلسی می گوید: چون در آخر الزمان خداوند حجت خود را از مردم پنهان کرده در عوض رای قوی در مورد استنباط احکام به آنها تفضل کرده و چون ائمه اطهار را از ایشان بر گرفته، رؤیای صادق و خوابهای راست به آنان عنایت نموده تا هر حادثه ای برای آنها قبل از رسیدنش آشکار گردد.

در حدیثی از رسول اکرم نقل شده که فرمودند: " من لم یؤمن بالرؤیا الصادقه لم یؤمن بالله و رسوله ". یعنی: آن کس که به رؤیای صادق ایمان ندارد به خدا و رسولش ایمان نخواهد داشت.

و نیز آن حضرت در روایت دیگری فرمودند: " اصدقکم حدیثا اصدقکم رؤیا " یعنی:

راستگو ترین افراد در میان شما فردی است که رؤیایش صادق تر و مطابق با حقیقت باشد.

همچنین در حدیث دیگری آن سرور عالمیان و بر گزیده پیامبران فرمودند:

" اذ اقترب الزمان لم تکذب رؤیا المؤمن و لا ینبغی لاحد یکذب رؤیا " یعنی:

هنگامی که قیامت نزدیک گردد رؤیای مؤمن صادق است و شایسته نیست که فردی خواب او را تکذیب نماید و دروغ پندارد.

خواب فرشتگان

هر چه مرگ دارد، خواب هم دارد،

فرشته ها مرگ دارند و چرا که خواب نداشته باشند؟

چون خدا فرموده: هر نفسی چشنده مرگ است، آیه ۱۸۶- آل عمران.

در کتاب کافی از یعقوب احمر نقل شده:

که نزد امام ششم علیه السلام رفتیم برای تسلیت او در مرگ پسرش اسماعیل و به او رحمت فرستاد و فرمود: خدا عز و جل خبر مرگ پیغمبرش به او داد و فرمود براستی تو مرده باشی و آنها هم مردگانند.

۳۱- زمر و فرمود " هر نفسی چشنده مرگ است. "

و آنگاه آغاز حدیث کرد و فرمود: ا

هل زمين همه بميرند تا احدى نماند و آنگاه اهل آسمان بميرند تا احدى نباشد جز ملك الموت و حاملان عرش و جبرئيل و ميكائيل ، و ملك الموت برابر خدا آيد و به او گفته شود، با اينكه خدا دانا تر است. چه كسى زنده مانده؟ گويد پروردگارا جز ملك الموت و حاملان عرش و جبرئيل و ميكائيل كسى زنده نمانده، گفته شود به جبرئيل و ميكائيل بگو بميرند، فرشته ها در اينجا گويند : پروردگارا اين دو رسول امين تو اند، فرمايد به هر كه جان دارد فرمان مرگ دادم. و باز ملك الموت نزد خدا آيد و با اينكه خدا دانا تر است به او گفته شود كه مانده و گويد جز حاملان عرش و و ملك الموت نمانده ، فرمايد : به حمله عرش بگو تا بميرند و پس از گزارش مرگ آنها با غم و اندوه و سر بزيير پس از پرسش اينكه : كه مانده و پاسخ باينكه جز ملك الموت نمانده به او هم گفته شود بمير اي ملك الموت و او بميرد.

در پرسشهاي زنديق از امام ششم عليه السلام است كه: روح پس از برون شدن از تن بماند يا نابود شود ؟ فرمود : بلكه بماند تا در صور اسرفيل دميده شود و آنگاه همه چيز نا بود شود و حس و محسوسى نماند.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

بدانكه مرا براستى فرستاده البته خواهيد مرد چنانكه مى خوابيد و البته مبعوث مى شويد چنانكه بيدار مى شويد. فرمود نشانه مرگ خواب است و نشانه قيامت بيدار شدن، اگر مرگ بيرون كشيدن روح است با تن مثالى از جسد عنصرى ، خواب منع روح است از تصرف در آن به يك سببى و اگر مرگ بر كشيدن روح است از قالب مثالى يا عنصرى لطيف ، خواب تعطيل آنست از تصرف، و بديهى است كه بر كشيدن روح از تن دشوار تر است از منع آن از تصرف در تن با به جا بودن ارتباطش با آن.

شيطان هم خواب دارد و چنانكه مى آيد رواست كه فرشته ها هم بخوابند زيرا هر دو گر چه در ماده آفرينش از هم جدايند و شيطان از آتش است و فرشته از نور ، و كارشان هم مخالف هم است . چون اولى كار بد كنند و به آن وا دارند و آن ديگرى جز خوبى نكنند و جز به آن وا ندارند. جز اين امور در هر مذهبي متحدند چون از يك عالمند و همدیگر را ببينند و با هم مبارزه كنند و بسا از هم بکشند و آتش زنند و با هم گفتگو كنند و كار هم ببينند.

مسلمين گویند: هر دو دسته تن لطيف دارند ، نورانى يا ظلمانى و توانند به هر شكل در آيند و عقل و فهم و قدرت بر كارهاى دشوار دارند و پيغمبران و اوصيا آنها را ببينند.

فلاسفه از هر مسلک كه باشند به موجودات بى جسمى معتقدند كه لا مكانند و درجه بالا شان به جسم ارتباطى ندارند كه فرشته هاى مقربند و بسا كه تدبير جسم كنند كه اشرفشان حاملان عرش و پايينتر در گرد عرش و آنگاه فرشته هاى كرسى و آنگاه فرشته هاى كره نار و آنگاه هوا و سپس زمهرير .. تا برسد به فرشته هاى دريا ها و فرشته هاى فرودين كه در گياه و حيوان اين جهان نفوذ و تصرف مى كنند.

و لفظ جن در اصل لغت بمعنى : در پرده است و بفرشته هم صدق كند ولى در عرف آنها ارواحى را گویند كه خاص عناصرند و گاه به فرشته هم گویند. در اينجا اعتراضى آورده كه فرشته ، خوردن و نوشيدن و توالد ندارد ولى شيطان دارد، چون نهى شده از پاك كردن كامل استخوان

و یا استنجا به آن برای اینکه خوراک جن هستند و اخباری هم هست که شیطان زایش دارد. و جواب این داده که فرشته هم با نسیم عرشی و ذکر خداوند خوراک می کند و حدیثی هم از تفسیر " برهان " آورده برای توالد فرشته ها.

فرشته ها جسم لطیف نورانی هستند و بال دارند، دو به دو یا سه به سه یا چهار به چهار یا بیشتر . می توانند به هر شکل در آیند و خدا بر حسب حکمت هر صورتی که خواهد به آنها می دهد و بالا و پایین می روند و پیغمبران و اوصیاء آنها را می بینند و قول به تجرد و تفسیر فرشته ها به عقل و قوای طبیعی و تاویل آیات بسیار برای شبه های سست و استبعاد و عدول از راه راست و پیروی از کور دلانست.

شیخ مفید در کتاب مقالات گفته : روا است که محتضر بچشم خود آنها را ببیند باینکه شعاع دید او بیفزاید تا تن شفاف آنها را نگرد، و در باره اینکه ائمه علیهم السلام سخن فرشته را شنوند و او را نبینند گفته است: من می گویم از نظر عقلانی مانعی ندارد که آنها را ببینند بلکه صدیقان از شیعه و ابرار هم می توانند ببینند و صحت این موضوع از ائمه و شیعیان صالح رسیده است با وضوح حجت و برهان و آن مذهب فقهاء امامیه است.

آیات شریفه قرآن کریم درباره رؤیا و تعبیر رؤیا

۱-سوره یوسف علیه السلام آیه ۴ :

بسم الله الرحمن الرحيم

اذ قال يوسف لایه یا ابت انی رایت احد عشر کوکبا والشمس و القمر رایتهم لی سجدین.( ۴)

هنگامی که گفت یوسف به پدر خود ای پدر همانا من در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه را برایم سجده کنندگان.

ستاره به معنی برادر یا سرباز است. یوسف ۱۰ برادر ناتنی و یک برادر تنی داشت.

خورشید به معنی پدر یا پادشاه است.

ماه به معنی مادر یا وزیر است. که بعد از ۲۰ سال و حوادث بسیار و به مقام وزارت رسیدن یوسف خانواده او به دیدن او رفتند.

سوره یوسف آیه شریفه (۵) :

بسم الله الرحمن الرحيم .

۲-قال یبنی لا تقصص رؤیاک علی اخوتک فیکیدو لک کیدا ان الشیطان للانسان عدو مبین.( ۵)

در این آیه حضرت یعقوب به حضرت یوسف توصیه می کند خواب خود را به برادران خود نگوید زیرا آنها حسود هستند و شیطان برای انسان

دشمنی آشکار است .

۳-سوره یوسف آیه شریفه (۳۶).

بسم الله الرحمن الرحيم .

و دخل معه السجن فتیان قال احدهما انی ارنی اعصر خمرا و قال الاخر انی ارئنی احمل فوق راسی خبزا تاكل طیر منه نبئنا بتا ویله انا نرئک من المحسنین (۳۶)

و داخل شدند با وی به زندان دو جوان، گفت یکیشان هما نا به خواب دیدم خویش را که که انگور می فشارم و دیگری گفت دیدم به خواب خویش را که بر گرفتم بر سر خود نانی که پرندگان از آن می خوردند . آگاهی ده ما را از تعبیر آن. که می بینیمت هر آینه از نیکو کاران.

آب انگور گرفتن خدمت پادشاه کردن

نان بر سر داشتن و پرندگان خوردن ، اعدام شدن است.

۴-سوره یوسف آیه شریفه ۴۳.

بسم الله الرحمن الرحيم

و قال الملك انی ارى سبع بقرات سمان یاكلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و اخر یا بست .یا ایها الملاء افتونی فی رؤیای ان کنتم للرؤیا تعبرون .(۴۳)

و گفت پادشاه دیدم در خواب هفت گاو فربه‌های که می خوردند آنها را هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک. ای جماعت فتوی دهیدم اگر خواب را تعبیر می توانید.

گاو فربه اگر به خانه ای وارد شود به معنی یک سال نعمت و برکت است و هفت گاو هفت سال. سپس گاو لاغر بر عکس فقر و قحطی و هفت گاو لاغر هفت سال قحطی .

۵-قالوا اضغث احلم و ما نحن بتأویل الاحلم بعلمین(۴۴)

گفتند پاره ای خوابها بیهوده است و نیستیم ما تعبیر خوابهای بیهوده را دانایان.

۶-و قال الذی نجا منهما وادکر بعد امه انا انبئکم بتأویله فأرسلون(۴۵)

و گفت آنکه نجات یافته بود از آن دو و یاد آمدش پس از نسلی من آگاهیتان دهم به تعبیرش پس مرا بفرستید.

۷-یوسف ایها الصدیق أفتنافی سبع بقرت سمان یاكلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یا بست لعلی أرجع الی الناس لعلهم یعلمون(۴۶)

یوسف ای راستگو فتوی ده ما را در هفت گاو فربه که خوردنشان هفت لاغر و هفت خوشه ی سبز و دیگرانی خشک شاید باز مردم بسوی مردم شاید ایشان بدانند.

۸-قال تزرعون سبع سنین دأبا فما حصدتم فذروه فی سنبله الا قلیلا مما تأکلون(۴۷)

گفت کشت کنید هفت سال پیایی پس آنچه را درویدید بگذاریدش در خوشه ی خود جز اندکی که می خورید.

پس بیایید پس از این هفت سال سخت که می خورند آنچه آماده کردید برای آنها بجز اندکی از آنچه نگه میدارید.

۱۰- ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس و فيه يعصرون (۴۹)

پس بیایید پس از آن سالی که در آن باران بارد بر مردم و در آن رهائی یابند.

۱۱- و سوره یوسف آیه شریفه ۱۰۰. بسم الله الرحمن الرحيم

و رفع ابويه على العرش و خروا له سجدا و قال يا بت هذا تاويل رؤيى من قبل قد جعلنا ربي حقا و قد احسن بي اذ اخرجني من السجن و جاء بك من ابو و من بعد ان نزع الشيطان بيني و بين اخوتي ان ربي لطيف لما يشاء انه هو اعليم الحكيم.

و بر آورد پدر و مادر خویش را بر تخت و بیافتادند بر ایشان سجده کنان و گفت ای پدر این است تعبیر رؤیای من از قبل که گردانیدش خداوند راست و همانا بمن نیکی کرد هنگامی که بروم آورد از زندان و بیاورد شما را از بیابان پس از آنکه اشوب کرد شیطان میان من و برادرانم همانا پروردگار من (در عمل) لطیف است در آنچه خواهد و همانا او است دانای حکیم .

و سوره یوسف آیه ۱۰۱ :

۱۲- رب قد آتيتني من الملك و علمتني من تاويل الاحاديث فاطر السموات و الارض انت ولي في الدنيا و الاخرة توفني مسلما و الحقني با لصلحين (۱۰۱).

پروردگارا دادی مرا از پادشاهی و آموختی مرا از تعبیر خوابها ای پدید آورنده آسمانها و زمین تویی دوست من در دنیا و آخرت دریاب مرا تسلیم و پیوسته دار مرا با شایستگان. و در سوره مبارکه فتح آیه (۲۷) و سوره مبارکه اسراء آیه (۶۰) در باره رویا و تعبیر آن هستند .  
خواب

یکی از نیازهای زیستن انسان، خواب است که ارضاء این غریزه، امر ضروری است و اقدام به تاخیر انداختن آن ممکن نیست، نیازهای جسمی انسان، قابل تاخیر هستند. مانند نیاز جنسی و یا خوراکی اما تحقیقی که از طریق آزمایش نشان داده است، دو روز نخوابیدن موجب هذیان گفتن می شود و ادامه آن تا چهار روز باعث از دست دادن حافظه می گردد. و به مدت یک هفته به طور کلی فرد را از فعالیت می اندازد مهمترین شکنجه ها برای شخص، وادار به بی خوابی و جلوگیری از خوابیدن است که بدن تحمل آن را ندارد در احادیث اسلامی نیز همین نظریه صریحا ذکر شده . امام صادق (ع) می فرماید: ستة ليس للعباد فيها صنع: المعرفة و الجهل. والرضا و الغضب و النوم و اليقظة(خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۸۹)

در شش مورد است که مردم در آنها نقشی ندارند و از توانشان خارج است . ۱- معرفت که افاضه خدا است . ۲- جهل پرده های نادانی و

جهالت ۳- خوش آمدن از چیزی ۴- خشم گرفتن از چیز دیگر ۵- خواب ۶- بیداری. قرآن کریم نیز می فرماید " و جعلنا نوكم سباتا "

(سوره نباء آیه ۹) خواب شما را ، مایه آرامشتان قرار دادیم.

در تفسیر نمونه ذیل آیه می نویسد: با اینکه یک سوم زندگی انسان را خواب تشکیل می دهد، هنوز اسرار خواب به خوبی شناخته نشده حتی اینکه چه عامل سبب میشود که در لحظه ای معین، بخشی از فعالیت‌های مغزی از کار می افتد و سپس پلک چشمها بر هم آمده و تمام اعضای تن، در سکون و سکوتفو می‌رود، هنوز به درستی روشن نیست ولی این مسئله روشن است که "خواب" نقش عظیمی در سلامت انسان دارد. پزشکان روانی تلاش می کنند که خواب بیمار خود را تنظیم کنند. چرا که بدون آن تعادل روانی از بین می رود و معالجه بیمار ممکن نیست.

خلاصه این تحول و دگرگونی عجیبی که به نام "خواب" برای انسان پیدا می شود. شگفتی زیادی دارد که آن را شبیه یک معجزه می دانند .

از نظر پزشکی نوعی ترشحات شیمیایی خاصی است که در مغز جمع می شوند به گونه ای که عدم ارضای این نیازها، انسان را گرفتار انواع آسیب ها می نماید.

بعضی علت خواب را عاملی فیزیکی می دانند که انتقال خون از مغز، به قسمت های دیگر بدن، این پدیده را به وجود می آورد و برای اثبات عقیده خود از تختخواب مخصوص استفاده می کنند به نام تختخواب ترازویی.

بعضی عامل عصبی می دانند . که سیستم فعالیت عصبی ویژه ای در مغز موجود است که حکم گاز اتومبیل را دارد بر اثر خستگی خاموش میشود.(تفسیر نمونه، ج ۱۶ ص ۴۵)

پس هنوز عامل اصلی خواب به طور مسلم تشخیص داده نشده ولی از نظر اسلام، ارضای آن یک میزان خاص و بیش از حد ارضای آن موجب نتیجه ای کاملاً متضاد می گردد. به این معنی که خواب وسیله ای است صرفاً برای وظایف دینی که بستگی به نیاز دارد و اگر در آن زیاده روی شود نتیجه منفی خواهد داشت.

امام موسی کاظم (ع) می فرماید: " ان الله عزوجل یبغض العبد النوام الفارغ " خداوند از آدم بی کار پر خواب، بدش می آید اما صادق (ع) می فرماید: " کثرة النوم مذهبةٌ للدين و الدنيا " خواب زیاد، دین و دنیای انسان را از بین می برد.

والسلام